

روشنگریست یا مغشوش سازی؟!

نوشته زیر عنوان « جنگهای روانی و شیوه های انتحاری آن و طرز تقابل با آن » از قلم محترم دیپلوم انجنیر قیس کبیر، در سایت افغان جرمن « با آنهمه تصاویر، از طیاره پیشرفته بی پیلوت گرفته تا ترسیم مربعه ها و خط ها و تیرک ها که در هر صفحه مقاله شکل گرفته، نظرم را جلب کرد و به امید اینکه از مطالعه آن چیزی تازه ای بدانم آنرا کلمه به کلمه و سطر به سطر تا اخیر تعقیب نمودم، اما نه تنها از آن چیزی دستگیرم نشد بلکه متوجه شدم که نویسنده محترم بجای نشان دادن مشکل جنگ افغانستان و راه حل آن، به اصطلاح « از هر چمن سمنی» سخن گفته است.

نمیدانم جناب قیس کبیر در چه رشته دارای دیپلوم انجنیری هستند؟ بهر حال تا جائیکه دیده میشود بعضاً تحصیل دیده های محترم افغان قبل از ذکر نام و تخلص، سویه تحصیلی شان را برخ مردم می کشند تا بدانوسیله قبل از بیان هر مطلبی تبارز وزن و اعتبار سویه نشان داده توجه را برای خواندن نوشته خود جلب نمایند.

خوب، لابد محترم قیس کبیر در یکی از رشته های مثل برق، کمپیوتر، زراعت ماشین آلات و یا چیز دیگر دارای سویه تحصیلی انجنیری خواهند بود، اما آنچه در نظر نخست از عنوان نوشته شان پیرامون « جنگ روانی و شیوه های انتحاری و طرز مقابله به آن» حدس و گمان راجع به مسلک وی بمن دست داد این بود که تصور کردم، ممکن نویسنده مقاله یک فرد نظامی بوده باشد که همچو مبحث تخصصی را پیش کشیده است، که از جنگهای قرن بیست و یک در مقایسه با جنگهای کلاسیک قرون گذشته « سخن میگوید. ولی وقتی داخل متن شدم زود دریافتم که نویسنده فرد نظامی نبوده، لیک از آنجائی که ظرف سی سال اخیر موضوع داغ سیاسی جهان افغانستان بوده بسیار افغانهای محترم به مسایل سیاسی علاقه گرفته اند که حتی دیده میشود بعضی ها رشته های تخصصی خود را رها کرده روبه سیاست آورده اند، البته حق شان است اما در مورد نوشته محترم قیس کبیر این سوال در ذهن انسان خطور میکند که چرا نویسنده چیزهای مثل «جنگهای سایبر cyber wars عقیم ساختن پروسه غنی سازی یورانیم، دستگاه اتمی حکومت ایران و مسئله ویروس کمپیوتری stuxnet را بیکبارگی پیش کشیده و میگوید « کشور ویرانه افغانستان تا کنون به آن مدارج پیشرفته تکنالوژی نرسیده و نه از لحاظ امکانات مالی و تخیلی و نه از نگاه تخصصی و . . . توانائی شرکت در جنگهای دنیای سایبر را دارد»

آخر این حرفها چه جای گفتن دارد؟ زیرا این مطالب را نه تنها انجنیر قیس کبیر بلکه هر فرد افغان و جهان نیز میدانند که مردم و کشور افغانستان به این چیزها و ظرفیت ها و دانش پیشرفته علمی نرسیده و اینرا هم بخوبی میدانند که مبارزه علیه تروریسم از سوی پیشرفته ترین کشور جهان یعنی دولت ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان و منطقه براه افتیده است.

پس آیا ذکر همچو مسایل و مثال آوردنهای کنده و بریده به غیر از ایجاد اغتشاش فکری و خلط مبحث نیست؟ و یا به غیر از اینکه انسان تصور کند که نویسنده با بکار گیری این کلمات و جملات خواسته خود را آدم فهیم و مهمی نشان دهد چیز دیگری از آن استنباط میشود؟

باید گفت اگر کلمات و اصطلاحات و جملات علمی در جایگاه لازم و معین آن بکار برده نشوند نه تنها به حیثیت و اعتبار نویسنده و نوشته آن نمی افزاید بلکه بیشتر از هر چیز برای خواننده آن سر در گمی و اتلاف وقت را فرام می آورد.

توجه کنید به نقل از صفحه اول پراگراف دوم، که گفته شده است: «یکعده افغانهای مقیم خارج که دسترسی به کمپیوتر دارند از جنگهای فرسایشی، پروپاگند و تخریب همدیگر چون ابزار کوبنده بر علیه یکدیگر منحیث وسیله مخرب تبلیغاتی مفت استفاده میکنند . . . و در پراگراف سوم آرزومندان میگوید: « ایکاش این عده میتوانستند که به دانش و فهم خویش در زمینه دنیای سایبر می افزودند و از آن در راه استفاده موثر برای ملت خود و ارتقای سطح علمی نسل آینده تلاش می نمودند». و بخاطر استفاده نادرست از آن یک مثال هم آورده اند:

«ما به همین تازگی ها دیدیم و شنیدیم که مخالفان رئیس جمهور حامد کرزی، قصداً و عمدتاً یک قسمت از مصاحبه اخیر او را از طریق یوتوب به نشر سپردند تا از اینطریق به وی از نظر سیاسی لطمه بزنند، ولی اگر مصاحبه بصورت مکمل دیده و شنیده شود واقعیت غیر از این چیزی است که در یوتوب به نشر رسیده است.»

این درست ولی از این نوع دست آورد های علمی صرفاً استفاده منفی بعمل نمی آید بلکه از آن استفاده مثبت نیز صورت میگیرد اما اگر کسی فهم سیاسی درست نداشته باشد ولومتن کامل را هم از نظر بگذراند، ممکن است از آن برداشت نادرست کند، و یا اگر با نیت بد و غرض آلود نسبت به آن برخورد کند چنانکه بخشی از نمایندگان ولسی جرگه اعتراض

آمیز حکومت را زیر سوال قرار دادند و از حکومت خواستند که سیاست خارجی خود را روشن نماید. یک جنرال چهار ستاره امریکائی در افغانستان با برداشت نادرست از مصاحبه جناب کرزی ناشیانه سخن گفت و جزایش را هم دید که فوراً از مقامش برکنار شد.

خدمت جناب قیس کبیرباید به عرض رسانده شود که از این نوع پدیده های مثل کمپیوتر تئوریها، فلسفه ها و مذاهب همواره دو نوع برداشت و استفاده میشود هر فرد و هر جمعیت و دولتی به مقصد و منافع خاص خود از آن استفاده میکنند ولی مهم آنست گفته شود که آیا این نوع پدیده های مثل کمپیوتر، ماشین آلات و غیره که اختراع و تولید شده اند، بنابر ضرورت و به نفع اکثریت بشریت بوده و یا خیر؟

تا جائیکه معلوم شده است میتوان گفت، با آنکه طیاره فایبر و بکار گیری آن تلفات و ضرر وزیانی برای انسانها در بر دارد ولی برای دولتی که بمقصد رسیدن به هدف خود از آن استفاده میکند، جهات مثبت آن بیشتر بوده والی اگر اینطور نبود به تولید و استفاده از آن اقدام نمیکردند.

در صفحه دوم پراگراف اول گفته شده « یکی از انواع جنگهای روانی حملات انتحاری است» و جناب قیس کبیر عملیات انتحاری را به مسئله فقر، بیکاری، بی سرپناهی، ظلم، گرسنگی، مرض، عدم دسترسی به دوا و داکتر، حق تلفی های گسترده، فساد اداری، خویشخوری های بدون سرحد، بمباران های کور، تلاشی های وحشیانه، جاسوسی و راپور دادن های غلط» بحساب آورده اند.

باید گفت مسائلی را که محترم قیس کبیر پشت سر هم قطار کرده اند چیزهای تازه و صرفاً عاید حال مردم افغانستان نیست، این تبلیغ دنباله همان کار تبلیغی است که از هر سو و هر روز بتکرار گفته و نوشته میشود و آنچه درین نوشته از مشکلات و کمبودها در افغانستان ذکری بعمل آمده میدانیم که همه بیکبارگی بوجود نیامده اند، در گذشته ها نیز تا حدودی این مشکلات و بد بختیها دامنگیر مردم ما بوده و مردم کشور های دیگر نیز کم و بیش این نوع مشکلات را داشته و دارند، اما به علل گرفتاری های که از آن نامبرده شده و در همه جهان وجود دارد مثل کشور ماهر روز در همه جهان عملیات انتحاری انجام نمی یابد.

گرچه در مسئله عملیات انتحاری کمبود ها و مصیبت های که از آن محترم قیس کبیر در افغانستان نام برده اند در موضوع جنگ و در انجام عملیات انتحاری در افغانستان بی تاثیر نبوده ولی اگر چیزهای مادی مثل فقر و بیکاری و بی عدالتی را عامل اصلی در نظر گیریم پس در کشور بنگله دیش و کشور های بسیار فقیر آفریقائی باید هر روز عملیات انتحاری صورت گیرد که خوشبختانه چنین نیست.

به نظراین هیچ مدان بیشتر از هر چیز تاثیر اعتقاد مذهبی آنها از نوع اسلام سیاسی فائده مانتالیستی و خوشنترار بوده و بعد مسئله فقر و انگیزه های دیگر که به تحریک آن می افزاید ولی در واقعیت امر تلقین مذهبی نقش تعیین کننده دارد که رهبران گروه های تند رو اسلامی برای رسیدن به اهداف شان، پای انسان های مذهبی و ساده نگر را در جنگها و عملیات انتحاری می کشند.

اما جناب قیس کبیر به خط درشت سوالی را در مورد انجام عمل انتحاری اینطور مطرح میکند « علت اصلی اینهمه جریانات ناگوار در کجا نهفته است؟ »

و خود پاسخ میدهد « با یقین گفته میتوانیم که علت اساسی اینهمه نابسامانی ها در عدم عدالت اجتماعی نهفته است، تا زمانیکه عدالت اجتماعی در کشور باز یچه دست جنایتکاران جنگی باشد و تا زمانیکه قدرت های خارجی جنایتکاران جنگی را زیر چتر حمایت خود گرفته و پرورش بدهند، حملات انتحاری همچنان ادامه خواهد یافت و مردم افغانستان قربانی خواهند داد.» این از همانگونه سخنانی است که طالبان و حامیان پاکستانی شان همواره تبلیغ میکنند.

خدمت محترم قیس کبیرباید گفته شود که عدالت از دید هر کس و هر گروه تعبیر خاص خود را دارد، در زمان استقرار رژیم طالبان در افغانستان عملیات انتحاری وجود نداشت پس از جناب قیس کبیر باید پرسید : در زمان رژیم طالبان در افغانستان که عملیات انتحاری وجود نداشت آیا عدالت وجود داشت ؟

همه میدانند که غیر عادلانه ترین و جنایتبارترین رژیم، رژیم طالبان در افغانستان بوده است. عدالت در دنیای ما یک امر نسبی است و عدالت بدون آزادی و دیموکراسی مفهوم ندارد و عدالت آن خواهد بود که مردم خود آگاهانه بگویند عدالت چیست و برای رسیدن به آن بدون خونریزی و قطع زندگی دیگری مبارزه کنند ولی آنطور که جناب قیس کبیر گفته است تنها با قطع « حمایت قدرتهای خارجی از جنایتکاران جنگی » عدالت در کشور برقرار نخواهد شد.

در شرایط حاضر در افغانستان از میان هر علی، عامل اصلی بسی بد بختی ها و رنج های مردم ما جنگ است که از بیرون بر کشور تحمیل شده است و مقصرو واقعی و دشمن عمده از چندین سال بدینسو رژیم پاکستان شناخته شده است. البته این بدان معنا نیست که کسان دیگر و دولت های دیگر در مسایل جنگ و جرم و جنایات در افغانستان بی تقصیر اند. انجنیر صاحب قیس کبیر، مشکلات و مصیبت های زیادی را ردیف بندی کرده اند از جمله فساد اداری، ولی به عنوان عامل اساسی از آن سخن نگفته اند، در حالیکه از میان همه مشکلات و مصیبت های که ردیف بندی نموده اند، همین فساد اداری عامل اساسی است که با رفع فساد اداری یا محدود شدن آن زمینه برای رفع و یا محدود شدن سایر چیز های دیگر مساعد و ممکن میگردد

عامل دوم و مهمتر از عامل داخلی که در بالا ذکر آن رفت، از جنگ به عنوان عامل خارجی که از سوی دولت پاکستان به افغانستان تحمیل شده است، باید گفت که هرگاه این جنگ و عملیات انتحاری پایان یابد، شرایط برای رفع بی حد و مرز فساد اداری نیز فراهم خواهد شد.

جناب قیس کبیر از « حملات راکتی طیارات بی پیلوت که تخریبات و مصیبت ها را بار می آورد یاد آور شده اند، معلوم نیست که بحیث یک انجنیر چه میخواستند بگویند، آیا درکار کرد نادرست و نقص تخنیک، فنی طیاره پریداتور اعتراض دارند که نسبت به طیارات با پیلوت ضرر و زیان آنرا بیشتر دیده اند؟ و یا ایرادی نسبت به اشتباهات و عدم کار آئی افراد مرکز هدایت کننده آن دارند؟

تا جائیکه معلوم شده است طیاره بی پیلوت هدفها را دقیق نشان میدهد و به این لحاظ راکت های که فیر میشود ساحه تخریب آن نسبت به طیارات بم افگن کمتر است.

بهرصورت اگر محترم قیس کبیر از موضع یک انجنیر آگاه به امور طیاره بی پیلوت وارد بحث می شدند، خوب بود و جا داشت که پس از یک کار تحقیقی تا حدود ممکن به زبان نسبتاً ساده برای درک افراد غیر فنی ابراز نظر می نمودند و اگر نه مقصد شان در مسئله جگ و بحران موجود در افغانستان بوده باشد بهتر بود که موضوع طیاره بی پیلوت، چگونگی عقیم ساختن پروسه غنی سازی یورانیم و دستگاه اتمی ایران که هر کدام ایجاب بحث جداگانه ای را مینماید و بسیار سنگین هم هست کنار گذاشته می شد و از موضع سیاسی به بررسی بحران ناشی از جنگ و چگونگی راه حل آن می پرداختند، ولی بگونه ای که نوشته شان رقم یافته یعنی چندین موضوع مختلف را یکباره مورد بحث قرار داده اند که انصافاً از آن چندان مفهوم روشن گرفته نمیشود.

با عرض احترام

پایان